

کلیسا (رازها ، آئینها و رسومات)

قسمت اول:

دعا رو به شرق

تکریم صلیب

اهمیت صلیب

دعا رو به شرق

کلیساهای ما به سمت شرق بنا شده‌اند. ما به سمت شرق دعا می‌کنیم زیرا مشرق برای ما همچون نمادی است چراکه دلمان را به تفکرهای ارزشمند هدایت می‌کند. در منظر خدا نیز مشرق مکان مهمی است. پس حال که خدا بدان اهمیت می‌دهد، ما نیز باید بدان اهمیت دهیم.

(1) پیش از آنکه خدا انسان را بیافریند، مشرق را به عنوان سرچشمه نور آفرید و خدا دید که نور نیکوست. پس خورشید را در روز چهارم و انسان را در روز ششم آفرید. (پیدایش 1)

طلوع خورشید نمادی از مسیح و نورش است. خداوند، «آفتاب عدالت» خوانده شده است: «... آفتاب عدالت طلوع خواهد کرد و بر بالهای وی شفا خواهد بود». (ملاکی 4:2)

(2) پیش از آنکه خدا انسان را بیافریند، باغ عدن را در مشرق آفرید و او را در آن قرار داد. همچنین درخت حیات را در باغ مستقر نمود.

باغ عدن نماد بهشتی است که آرزوی ما را داریم (پیدایش 2:8). بنابراین رو به مشرق ایستادن نمادی از اشتیاق انسان به دستیابی به درخت حیات است.

(3) مسیح خداوند در یک کشور شرقی متولد شد. مجوسیان ستاره او را در مشرق دیدند (متی 2:2). ستاره نمادی از هدایت الهی بود. وقتی مجوسیان به دنبال آن رفتند، به خداوند رسیدند. چه تفکر زیباییست!

(4) مسیح در کشور شرقی متولد شد و ستاره‌اش نیز در مشرق دیده شد، و مادرش مریم عذرا به «دروازه مقدس بیرونی که به سمت مشرق متوجه بود» تشبیه شد. (حزقیال 2، 44:1)

(5) نجات از مشرق به جهان آمد. مسیح در یک کشور شرقی مصلوب شد و آنجا بود که خورش به جهت کفاره گناهان تمامی جهان ریخته شد.

(6) مسیحیت و کلیسا از شرق آغاز شد. اورشلیم در مشرق است. آنجا کشور پادشاه عظیم است، جایی که نخستین کلیسا در تمامی جهان بنا شد. انجیل از شرق گسترش یافت. و در مشرق خون نخستین شهید مسیحی ریخته شد.

(7) کتاب مقدس بارها اشاره می‌کند که جلال خدا در مشرق است. در کتاب اشعیا نوشته شده: «خداوند را در بلاد مشرق و نام یهوه

خدای اسرائیل را در جزیره‌های دریا تمجید نمایید» (اشعیا 24:15). در کتاب حزقیال نبوتی در مورد آمدن مسیح در جلال خود از مشرق وجود دارد. نوشته شده: «و اینک جلال خدای اسرائیل از طرف مشرق آمد و آواز او مثل صدای آبهای بسیار بود و زمین از جلال او منور گردید». (حزقیال 2:43)

(8) از این رو بسیاری از الهیدانان می‌گویند که بازگشت ثانویه مسیح از مشرق خواهد بود. به همان طریقی که به آسمان روانه شد، باز خواهد گشت (اعمال 1:11). در نبوت زکریا آمده: «و در آن روز پایهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق به مقابل اورشلیم است خواهد ایستاد». (زکریا 14:4)

(9) تعمق در مورد مشرق نیکوست و یادهای باشکوهی را به خاطرمان می‌آورد. در کتاب حزقیال، نبی در مورد رودهای حیات در شرق می‌نویسد (حزقیال 1:47-9). و در کتاب دوم پادشاهان، آمده که مشرق: «تیر ظفر خداوند» بود (دوم پادشاهان 13:17). همچنین در کتاب اشعیا، نوشته شده: «خداوند را در بلاد مشرق ... تمجید نمایید». (اشعیا 24:15)

(10) به یاد آوردن مشرق تأثیر به‌سزایی در دل‌مان می‌گذارد و در نفسمان تأثیرات روحانی دارد. دانیال نبی چه انسان بزرگی بود که با رد پت‌پرستی، به بالاخانه رفته، پنجره‌ها را به سمت اورشلیم گشود و زانو زده، دعا کرد. درست است که خدا همه جا حاضر است، اما رو به اورشلیم در شرق ایستادن معنای عمیقی دارد و تأثیر عظیمی بر قلب می‌گذارد. به خاطر آوردن مکانهای خاص، عواطف مقدس را در قلبمان بیدار می‌کند.

(11) پرستش ما تنها با عقل نیست بلکه حواس نیز عمل می‌کنند؛ تأثیر می‌گیرند و بر احساسات نفس تأثیر می‌گذارند. برای روشن شدن موضوع مثالی می‌آوریم: به هنگام دعا، به بالا نگاه می‌کنیم اگرچه خدا همه جا هست. اما نگاه کردن به سمت بالا در قلبمان احساسات روحانی را تداعی می‌کند و عمق بیشتری به دعایمان می‌بخشد. همین امر در مورد دعا به سمت شرق نیز صادق است. خود خداوند نیز بارها به بالا نگاه می‌کرد، با اینکه پدر در او بود و وی در پدر. اما نگاه به سمت بالا معنای خاصی دارد.

(12) وقتی در کلیسا رو به شرق می‌ایستیم، در حقیقت به مذب می‌نگریم که به سمت شرق است زیرا قربانی مقدس، در دل‌هایمان جایگاه روحانی خود را دارد و مسیح، بره فصیح ماست که در مشرق قربانی شد.

(13) و در تعمید، شخص تعمید یافته و پدر تعمیدی او به نشان ترمّد از شیطان رو به غرب می‌ایستند، سپس رو به شرق، اعتقادنامه را قرائت می‌کنند. بدینگونه شخص تعمید یافته به هنگام تعمید احساس می‌کند که از غرب به شرق، یعنی از تاریکی به سمت نور منتقل شده است.

(14) و ما می‌پرسیم: چرا پروتستانها با نگرستن رو به مشرق مخالفت می‌ورزند با اینکه این کار اسرار و معانی روحانی و تأملات و خاطرات مقدسی دارد که در کتاب مقدس ذکر شده‌اند و با اینکه هیچ اشکال الهیاتی در آن وجود ندارد، با غیرت تمام آن را رد می‌کنند.

قابل توضیح است که مطالب ارائه شده بیشتر بر نوع عبادت در کلیسا می‌باشد تا عبادت انفرادی در خانه‌ها و ایمانداران در خانه هنگام عبادت می‌توانند به سر سمتی دعا کنند ولی همانطور که اشاره شده است دعا به شرق سمبل‌های زیبایی دارد.

تکریم صلیب

یکی از تفاوت‌های میان ارتدکسها و پروتستانها، تکریم صلیب است. ما به اسم «پدر، پسر و روح القدس» نشان صلیب می‌کشیم اما آنان، نه پیش از دعا و نه پس از آن، نشان صلیب نمی‌کشند. آنها از نشان صلیب برای برکت دادن مردم و یا لباسها نیز استفاده

نمی‌کنند.

پروتستانها به ایمان درونی خود اکتفا کرده از نشان صلیب استفاده نمی‌کنند. تا چندی پیش، آنان بر کلیساهای خود صلیب نصب نمی‌کردند. آنها بر دستان خود صلیب نمی‌گیرند و اعیاد صلیب ندارند. ایشان همچنین صلیب را بر نمی‌گیرند و با صف به دور کلیسا نمی‌گردند.

صلیب را نمی‌بوسند و از آن برکت نمی‌پذیرند.

اکنون توضیح می‌دهیم که چرا ارتدکسها چنین اهمیتی به صلیب می‌دهند و همچنین مشاهده خواهید کرد که کشیدن نشان صلیب، بر پایه تعلیم کتاب مقدس، چه فوایدی دارد.

(1) تأکید مسیح خداوند بر صلیب

مسیح خداوند از آغاز خدمت خود، در زمان تعلیم و صحبت درباره مصلوب شدنش، تأکید زیادی بر صلیب می‌کرد. وی می‌فرمود: «و هر که صلیب خود را برنداشته، از عقب من نیاید، لایق من نباشد» (متی 10:38)

و «گر کسی خواهد متابعت من کند، باید خود را انکار کرده و صلیب خود را برداشته، از عقب من آید». (متی 16:24؛ مرقس 8:34)

او در مکالمه خود با ثروتمند جوان گفت: «برو و آنچه داری بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی یافت و بیا صلیب را برداشته، مرا پیروی کن». (مرقس 10:21)

همچنین گفت: «و هر که صلیب خود را بر ندارد و از عقب من نیاید، نمی‌تواند شاگرد من گردد». (لوقا 14:27)

(2) صلیب، مرکز اصلی خدمت فرشتگان و رسولان بود

یک نکته مهم این است که فرشته‌ای که مژده رستاخیز مسیح را داد، به زن گفت: «... می‌دانم که یسوع مصلوب را می‌طلبید. در اینجا نیست زیرا چنانکه گفته بود برخاسته است» (متی 28:5،6). بنابراین فرشته خداوند را «مصلوب» خطاب کرد با اینکه او دیگر رستاخیز کرده بود. پس عنوان «مصلوب» در مورد خداوند ادامه دارد و مختص زمان مصلوب شدنش نیست.

رسولان که پدران ما هستند، در موعظه‌های خود بر صلیب خداوند تأکید می‌کردند. حضرت پطرس به هنگام موعظه برای یهودیان گفت: «پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین یسوع را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است». (اعمال 2:36)

حضرت پولس می‌گوید: «... ما مسیح مصلوب را وعظ می‌کنیم» (اول قرنتیان 1:23)، اگر چه صلیب خداوند «یهود را لغزش و امت‌ها را جهالت است».

رسول، صلیب را در مسیحیت یک ضرورت دانسته و گفت: «زیرا بر آن بودم در مدتی که بین شما هستم، چیزی جز یسوع مسیح ندانم، آن هم یسوع مصلوب». (اول قرنتیان 2:2)

(3) رسولان بر صلیب مباحثات می‌کردند

پولس رسول می‌گوید: «لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما یسوع مسیح». (غلاطیان 6:14)

اگر ما راز این سخنان را جويا شویم، رسول جواب خواهد داد: «که بوسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا».

(4) وقتی ما نشان صلیب می کشیم، بسیاری از معانی الهی و روحانی آن را به خاطر می آوریم

ما محبت خدا را نسبت به ما به یاد می آوریم، که به خاطر نجات ما مرگ را پذیرفت: «جمعیت ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هریکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بروی نهاد» (اشعیا 53:6). وقتی نشان صلیب می کشیم، «بره خدا که گناه جهان را برمی دارد» (یوحنا 1:29) را به یاد می آوریم، و نیز «کفار به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بلکه به جهت تمام جهان نیز». (اول یوحنا 2:2)

(5) وقتی نشان صلیب می کشیم، تعلقمان به «مصلوب» را اعلان می کنیم

آنان که فقط به مفهوم معنوی و بدون نشان دادن علامتی آشکار، صلیب را حمل می کنند، تعلقشان به مصلوب را اعلان نمی کنند، ولی ما وقتی نشان صلیب می کشیم، یا آنرا بر سینه حمل می کنیم یا می بوسیم، و یا دستهایمان را با نشان صلیب تدهین می کنیم یا بر بالای اماکن عبادی خود قرار می دهیم، تعلقمان را به مصلوب اعلام و اعلان می کنیم.

ما از صلیب مسیح شرمسار نیستیم بلکه به آن افتخار می کنیم و اعیاد آن را جشن می گیریم و بر دستهای خود می گیریم. بدین سان، بی آنکه سخنی بر زمان آوریم، با ظاهرمان ایمان خود را اعلان می کنیم.

(6) انسان فقط روح یا فقط عقل نیست بلکه حواس جسمانی نیز دارد و باید صلیب را با مفاهیم اخیر حس کند

همه انسانها از لحاظ روحانی هم‌رتبه نیستند تا به حواس نیاز نداشته باشند. حواس با اعمال فوق‌الذکر تغذیه می شوند و اثرات خود را به عقل و روح نیز منتقل می کنند. ممکن است عقل مفهوم صلیب را به خودی خود به یاد نیاورد، اما به یاری حواس و با دیدن صلیب، تمامی مفاهیم روحانی و الهی صلیب و مصلوب را به یاد خواهد آورد. بدینگونه ما خدا را با تمامی جان و فکر و جسم عبادت می کنیم که هر کدام به نوبه خود، دیگری را تقویت می کنند.

(7) ما در سکوت نشان صلیب نمی کشیم بلکه همراه آن می گوییم: «به نام پدر، پسر و روح القدس، خدای واحد، آمین»

بنابراین هرگاه نشان صلیب می کشیم، ایمانمان به تثلیث اقدس که خدای واحد ابدی است را معترف می شویم. اینگونه دائماً تثلیث اقدس را به یاد می آوریم.

(8) با کشیدن نشان صلیب، ایمانمان به تجسم و باز خرید را معترف می شویم

ما نشان صلیب را از بالا به پایین و از چپ به راست می کشیم. بدین صورت به یاد می آوریم که خدا از آسمان به زمین نزول کرد و مردم را از چپ به راست انتقال داد، یعنی از تاریکی به نور، از موت به حیات. چه بسیارند مفاهیمی که ما با کشیدن نشان صلیب به یاد می آوریم و در دل خود احساس می کنیم!

(9) با کشیدن نشان صلیب، به فرزندانمان و به دیگران درس دینی می آموزانیم

آنکه هنگام دعا یا زمان ورود به کلیسا، موقع غذا خوردن و یا موقع خوابیدن نشان صلیب می کشد، کسی است که صلیب را در خاطر دارد. این یادآوری به لحاظ روحانی سودمند، و یک حکم کتاب مقدسی است. همچنین این کار به مردم و بخصوص به کودکان می آموزاند که مسیح مصلوب شد.

(10) با کشیدن نشان صلیب، اعتراف می‌کنیم که مسیح به خاطر ما مرد

این حکم مسیح است که مرگ او را اعلام کنیم (که به خاطر ما فدیہ داد) تا زمانی که او بیاید. (اول قرن‌تین 11:26)

هرگاه نشان صلیب می‌کشیم، مرگ او را تا زمان بازگشت به یاد می‌آوریم.

ما مرگ خداوند را در قربانی مقدس هم به یاد می‌آوریم اما این راز کلیسایی دائماً و در هر جایی به جا آورده نمی‌شود لکن ما می‌توانیم نشان صلیب را در هر زمانی بکشیم و اینگونه مرگ خداوند را به یاد آوریم.

(11) با کشیدن نشان صلیب به یاد می‌آوریم که مزد گناه موت است

به همین خاطر بود که مسیح مرد. ما «در گناهان مرده بودیم» (افسیان 2:5)، اما مسیح به خاطر ما روی صلیب مرد و به ما حیات بخشید. او روی صلیب هزینه کامل گناهان را پرداخت و به پدر گفت: «پدر، ایشان را ببخش».

(12) با کشیدن نشان صلیب، محبت خدا را نسبت به ما به یاد می‌آوریم

به خاطر می‌آوریم که صلیب یک قربانی محبت است. «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد» (یوحنا 3:16). به یاد می‌آوریم که: «خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد ... بوساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم» (رومیان 5:10). ما در صلیب، محبت خدا به ما را به خاطر می‌آوریم، زیرا «کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را بجهت دوستان خود بدهد». (یوحنا 15:13)

(13) ما نشان صلیب می‌کشیم زیرا به ما قوت می‌بخشد

پولس رسول قوت صلیب را حس کرده، گفت: «لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما یسوع مسیح که بوسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا» (غلاطیان 6:14) و «زیرا ذکر صلیب برای هالکان حماقت است، لکن نزد ما که ناجیان هستیم قوت خداست» (اول قرن‌تین 1:18). توجه کنید وی نگفت که «مصلوب شدن» قوت خداست، بلکه به طور محض گفت که «صلیب» قوت خداست.

بنابراین وقتی ما نشان صلیب می‌کشیم و وقتی به صلیب اشاره می‌کنیم، قوت می‌یابیم زیرا به یاد می‌آوریم که خداوند از طریق صلیب، موت را له کرد و به ما حیات بخشید و بر شیطان پیروز شد.

(14) ما نشان صلیب می‌کشیم زیرا شیطان از آن می‌ترسد

از زمان آفرینش آدم تا زمانهای آخر، تمام تلاشهای شیطان بر ضد صلیب است. خدا هزینه گناهان را با خون خود پرداخت. او با خون خود همه گناهان کسانی را که به او ایمان آورده اطاعتش می‌کنند برداشت. از این رو وقتی شیطان صلیب را می‌بیند، به لرزه می‌افتد زیرا شکست عظیم خود را به یاد می‌آورد. پس فرزندان خدا از نشان صلیب استفاده می‌کنند زیرا نشان پیروزی و قوت خداست. ایشان از صلیب قوت می‌یابند و دشمن به لرزه می‌افتد.

برافراشتن مار مسی در اعصار قدیم که برای مردم شفا و نجات از مرگ به همراه داشت، به برافراشته شدن خداوند بر بالای صلیب شباهت دارد (یوحنا 3:14). بنابراین نشان صلیب نیز همان اثرات را دارد.

(15) با کشیدن نشان صلیب، برکت می‌یابیم

تمامی جهان ملعون و تحت سلطه موت به سر می‌برد. اما خداوند روی صلیب تمام لعنت‌های ما را بر خود گرفت تا برکت صلح با خدا را به ما دهد (رومیان 5:10)؛ یعنی برکت حیات نو و عضویت در بدن او. تمامی فیض‌های عهد جدید از طریق صلیب به ما رسید. به همین دلیل است که روحانیون به هنگام برکت دادن از صلیب استفاده می‌کنند و بدین گونه نشان می‌دهند که برکت از خودشان نیست بلکه از صلیب خداوند است و بدیشان سپرده شده تا مردم را برکت دهند. مضاف بر این، ایشان از صلیب استفاده می‌کنند زیرا کهانتشان را از کهانت «مصلوب» دریافت نموده‌اند. تمامی برکات عهد جدید از صلیب خداوند و اثرات آن به ما رسید.

(16) صلیب در همه رازهای مقدس کلیسا استفاده می‌شود

تمامی رازهای مقدس حاصل ریخته شدن خون مسیح بر صلیب است. بدون صلیب شایستگی این را نداشتیم که از طریق تعمید، به عنوان فرزندان به خدا نزدیک شویم یا در تن و خون او مشارکت کنیم (اول قرن‌تینان 11:26)، یا حتی اقلأً از برکات این رازها برخوردار شویم.

(17) ما صلیب را تکریم می‌کنیم زیرا به یاد می‌آوریم که در آن مشارکت داریم

ما سخنان پولس رسول را به خاطر می‌آوریم: «با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند» (غلاطیان 2:20) و «تا او را و قوت قیامت وی را و شراکت در رنج‌های وی را بشناسم و با موت او مشابه گردم» (فیلیپیان 3:10). در اینجا از خودمان می‌پرسیم: چه زمان می‌توانیم در رنج‌های خداوند شریک شویم و با وی دعا کنیم؟ همچنین آن دزد را به یاد می‌آوریم که خداوند روی صلیب به او گفت که در بهشت با وی خواهد بود. مطمئناً او در بهشت با پولس همصدا می‌شد: «با مسیح مصلوب شده‌ام».

هر گاه صلیب را از طریق حواسمان حس می‌کنیم، آرزو می‌کنیم با مسیح مصلوب، و در جلال او شریک شویم.

(18) ما صلیب را تکریم می‌کنیم زیرا این پدر را خشنود می‌سازد

پدر با رضامندی، مسیح مصلوب را به عنوان فدیة گناهان و «عطر خوشبو بجهت خداوند» (لاویان 17، 13، 9:1) پذیرفت. اشعیای نبی در این مورد می‌گوید: «خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد». (اشعیای 53:10) مسیح خداوند در تمام حیات خود بر زمین پدر را خشنود ساخت. اما خشنودی کامل بر صلیب تکمیل شد، آنگاه که «خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید». (فیلیپیان 2:8)

هرگاه به صلیب می‌نگریم، اطاعت کامل مسیح را به یاد می‌آوریم تا اینگونه ما نیز در اطاعت به مانند او در آییم، یعنی تا به موت.

صلیب، هم برای پدر و هم برای پسر مصلوب مایه خشنودی بود، چنانکه نوشته شده: «و به سوی پیشوا و کامل‌کننده ایمان یعنی یسوع نگران باشیم که بجهت آن خوشی که پیش او موضوع بود، بی‌حرمتی را ناچیز شمرده، متحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشست است» (عبرانیان 12:2). پس خوشی کامل مسیح صلیب بود. باشد که ما نیز همچون او شویم.

(19) به وسیله صلیب، ننگی را که او متحمل شد بر خود حمل کرده، نزد او به بیرون از اردوگاه می‌رویم (عبرانیان 13:13).

ننگ و رنجی که مسیح متحمل شد، مصلوب شدنش بود. ما با کشیدن نشان صلیب، پیوسته با «هفته مقدس» (هفته قبل از عید رستاخیز که یادآورنده هفته آخر زندگی مسیح پیش از مصلوب شدن است) زندگی می‌کنیم و به یاد این سخنان در مورد موسی می‌افتیم: «*هار مسیح را دولتی بزرگتر از خزائن مصر پنداشت زیرا که به‌سوی مجازات نظر می‌داشت*». (عبرانیان 11:26)

(20) ما صلیب مسیح را حمل می‌کنیم زیرا بازگشت ثانویه او را به یاد می‌آوریم

کتاب مقدس در مورد پایان جهان و بازگشت خداوند می‌گوید: «*آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را بینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید*». (متی 24:30)

بنابراین بیایید اکنون و بر زمین، صلیب را که علامت پسر انسان است تکریم کنیم، چنانکه در انتظار دیدن آن در آسمان هستیم، آنگاه که او در ابرهای آسمان با جلال می‌آید.

اهمیت صلیب:

درباره صلیب 87 بار در عهد جدید صحبت شده است که این نشان‌دهنده اهمیت آن می‌باشد و می‌توان بر روی هر یک از آیات تعمق کرد.

صلیب در کلیساها، خانه‌ها و زندگی ایمانداران نقش اساسی دارد.

در بالا و داخل کلیساهای رسولی صلیب قرار دارد و حتی بعضی کلیساها خود به شکل صلیب هستند. مسیح سر کلیسا است .

روی اکثر درهای کلیسا صلیب دارد، مسیح گفت من در هستم و بوسیله صلیب به حضور خدا می‌رویم.

قبرهای خفتگان صلیب دارد. مسیح گفت من قیامت و حیات هستم. بوسیله ایمان به کار مسیح بر روی صلیب حیات جاودان می‌یابیم.

کاهنان و اسقفان برای دعای برکت، برای موعظه، برای اخراج ارواح، برای دعا برای مریضان و... از صلیب استفاده می‌کنند.

ما صلیب را می‌بوسیم و تکریم می‌کنیم. ما صلیب را پرستش نمی‌کنیم بلکه پسر خدا را آن مصلوب قیام کرده را پرستش می‌کنیم. بوسیدن صلیب با مزمور 2 آیه 12 که می‌گوید پسر را ببوسید همخوانی دارد.

باشد که به قوت صلیب خداوندمان عیسی مسیح محافظت و برکات الهی با ما و خانواده‌هایمان باشد.